

نویسنده: اندریو کوریبکو «Andrew Korybko» .
منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2025-11-12» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام مل .

سیاست جدید تنوع تجاری افغانستان، فرصت‌هایی را برای روسیه، هند و ایران ارائه می‌دهد

*Afghanistan's New Trade Diversification Policy Presents
Opportunities for Russia, India, and Iran.*



جدا از انگیزه‌های بدهی اقتصادی و بشردوستانه، آنها همچنین انگیزه دارند که در بحبوحه تنش‌های افغانستان با پاکستان، به این کشور کمک کنند، اقدامی که در واقع پاسخی غیرمستقیم به کمک پاکستان به بازگشت ایالات متحده به آسیای جنوبی-مرکزی است.

Apart from self-evident economic and humanitarian motives, they're also incentivized to help Afghanistan with this amidst its tensions with Pakistan as an indirect response to Pakistan helping the US return to South-Central Asia.

معاون نخست وزیر افغانستان در امور اقتصادی اعلام کرده که کشورشان به دلیل تنش‌های مداوم، تجارت خود را با پاکستان متنوع خواهد کرد و یا که پارتنرهای جدید تجاری را سراغ خواهد کرد یا که راه‌های بدیل تجاری را برخواهد گزید. او افزود که پاکستان سابقه سیاسی کردن تجارت خود را دارد یعنی که پاکستان از نقطه نظر سیاسی وقتاً فوقتاً راه‌های تجاری خود را با افغانستان می‌بندد، بویژه در هنگام که سبزیجات و میوه افغانستان به پاکستان صادر میشود، بنابراین طبیعی است که افغانستان وابستگی اش را به آن کاهش دهد، معاون نخست وزیر افغانستان همچنین از کیفیت پایین داروهای دریافتی و وارداتی ساخت پاکستان نیز انتقاد کرد. نکته مهم این است که مقامات دیگر با تاجرانی که هنوز با پاکستان تجارت می‌کنند همکاری نخواهند کرد یا به حرف آنها گوش نخواهند داد، که این امر فوریت این سیاست تجاری جدید را القا می‌کند.

برای افغانستان تنوع بخشیدن به وابستگی تجاری خود به پاکستان آسان نخواهد بود، که می‌تواند در سناریوی (در حال حاضر بعید) حل مشکلات فراوان آنها نیز احیا شود، اما روسیه، هند و ایران - سه کشور اصلی در کریدور حمل و نقل شمال-جنوب (NSTC) - می‌توانند دست یاری دراز کنند. روسیه اولین کشور در جهان بود که رسماً طالبان را به رسمیت شناخت، هند به تازگی سفارت خود را در آنجا بازگشایی کرد و ایران میزبان دومین تعداد پناهندگان افغان است، بنابراین همه آنها در این امر دینفع هستند. این امر نه تنها به دلایل اقتصادی و بشردوستانه، بلکه در راستای اهداف استراتژیک اعلام نشده نیز خواهد بود. روسیه به عنوان وسیله‌ای برای تنوع بخشیدن به تجارت خود، در جایگزینی صادرات پاکستان به افغانستان (شاید از طریق یک سیستم بارتری) دینفع است، هند می‌خواهد حاکمیت افغانستان را تقویت کند تا احتمال اینکه روزی تحت سلطه پاکستان قرار گیرد را کاهش دهد، و ایران در نظر دارد یک کریدور سراسری در افغانستان ایجاد کند که تجارت آن را با جمهوری‌های آسیای مرکزی و چین تسهیل کند. همه اینها یک بُعد آمریکایی نیز دارد.



هیچ‌کدام از آنها [هند و روسیه و ایران] با نقشی که پاکستان می‌تواند یا که بتواند در بازگرداندن نیروهای آمریکایی به پایگاه هوایی بگرام افغانستان ایفا کند، موافق نیستند، چرا که این امر تعادل نظامی-استراتژیک را در منطقه وسیع‌تر بر هم می‌زند. آنها همچنین نگران گزارش اخیر فایننشال تایمز هستند که پاکستان به ایالات متحده یک بندر پیشنهاد داده و طالبان بار دیگر پاکستان را متهم کرده است که به هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی اجازه فعالیت در حریم هوایی خود را می‌دهد. جالب اینجاست که ایالات متحده به تازگی به هند معافیت شش ماهه از تحریم‌های چابهار داده است و بدین ترتیب تجارت خود با افغانستان از طریق ایران را تسهیل کرده است.

این موضوع در اینجا به عنوان انگیزه‌ای برای هند برای دستیابی به یک معامله تجاری با ایالات متحده ارزیابی شد، که بدون آن تحریم‌های ثانویه ایالات متحده ممکن است تجارت هند و افغانستان را فلج کند و بنا بر این مانع هدف قبلی هند برای تقویت حاکمیت شریک خود در برابر پاکستان شود. در هر صورت، بهبود سریع روابط ایالات متحده و پاکستان به بازگشت آمریکا به آسیای جنوبی-مرکزی کمک می‌کند، که روسیه، هند و ایران با آن مخالف هستند. این به نوبه خود آنها را تشویق می‌کند تا به عنوان پاسخی غیرمستقیم به کمک پاکستان به ایالات متحده، به افغانستان کمک کنند.

بر این اساس، آنها علاقه مشترکی به کمک به تنوع بخشی به تجارت افغانستان از پاکستان دارند، که می‌تواند شامل یارانه صادرات و افزایش کمک‌های بشردوستانه باشد. این امر ممکن است در ابتدا به صورت دوجانبه انجام شود، اما به زودی می‌تواند به صورت هماهنگی سه جانبه روسیه و هند درآید، که شاید در اجلاس آتی پوتین با مودی، قبل از اینکه ایران را نیز در آن بگنجانند تا آن را به یک تلاش رسمی NSTC تبدیل کند، مورد توافق قرار گیرد. سپس آنها می‌توانند بر این اساس، روابط مالی و امنیتی خود را با افغانستان گسترش دهند.

بنابراین، اگر اراده سیاسی وجود داشته باشد، سیاست اخیر افغانستان فرصت‌هایی را برای هر چهار کشور فراهم می‌کند. پاکستان از این موضوع خوشحال نخواهد شد، اما نمی‌تواند به طور قابل اعتمادی شکایت کند، زیرا افزایش بالقوه تجارت روسیه، هند و ایران با افغانستان و کمک‌های بشردوستانه به آن رسماً غیرسیاسی خواهد بود. هر چه تنش‌های افغانستان و پاکستان بیشتر ادامه یابد، و مشروط بر اینکه منجر به حمله پاکستان بر افغانستان با حمایت ایالات متحده نشود، افغانستان با تنوع بخشیدن به وابستگی خود به پاکستان، مستقل‌تر خواهد شد.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

اندرو کوریبکو، تحلیلگر سیاسی آمریکایی ساکن مسکو، متخصص در روابط بین استراتژی ایالات متحده در آفریقا-اوراسیا، چشم‌انداز جهانی «یک کمر بند، یک جاده»

چین در مورد اتصال جاده ابریشم جدید و جنگ ترکیبی است. او مرتباً در نشریه «گلوبال ریسرچ» مطلب می‌نویسد.

----- با احترام «2025-11-17»

*

لیکونکی: یوریلار ایوجو «Uriel Araujo» .
منبع او دخپریدو نیته: گلوبال ریسرچ «2925-11-13» .
ژباړونکی: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**د افغانستان د اپینو سقوط د امریکا د استخباراتو
(۴۰) کلونو بنکیلتیا بنکاره کوي**

***Afghanistan's Opium Collapse Exposing 40 years of US
Intelligence Complicity***



Afghanistan's opium fields are withering, and with them a major pillar of the global narcotics economy.

*[According to](#) the latest United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC) survey, **poppy cultivation has fallen drastically since the Taliban's nationwide [ban](#), [reshaping](#) regional trafficking patterns and driving price volatility across South and Central Asia.***

The Taliban, for its part, has hailed this collapse as proof of restored order and moral discipline. **If the ban holds, it will represent in fact one of the most effective counternarcotics measures in modern history — something the [NATO occupation](#) never managed, in two decades.**

However, sudden contraction in the world's most profitable illicit commodity may have unintended effects, considering that, within the narcotics economy, a parallel system exists — one partly controlled by external actors, intelligence networks, and private contractors. Here some context is needed.

One may recall that Afghanistan's entanglement with the opium trade did not begin with the Taliban nor end with their fall in 2001. Rather, it is intertwined with decades of war, covert operations, and intelligence patronage. Allegations have long persisted that elements of the US intelligence apparatus — chiefly the CIA — have tolerated, abetted, or profited, directly or indirectly, from Afghan narcotics flows.

These claims, far from being mere propaganda or conspiracy theories, have been substantiated by Western sources such as The New York Times, historian Alfred McCoy, and even congressional testimony. Organized crime remains a key link in the Western intelligence apparatus, as I've [written](#).

For one thing, during the Soviet-Afghan War (1979–1989), Operation Cyclone —the CIA's largest covert mission — channeled billions in weapons to the mujahideen via Pakistan's Inter-Services Intelligence (ISI). **Opium production, meanwhile, exploded from roughly 100 tons a year in the 1970s to nearly 2,000 tons by 1990.**

McCoy's "[The Politics of Heroin](#)" documents how [CIA-backed](#) warlords like Gulbuddin Hekmatyar used American-supplied logistics to protect heroin refineries in Pakistan, while trucks loaded with US weapons reportedly returned carrying opium.

This dynamic effectively transformed South Asia into the world's heroin hub.

Suffice to say, the "side effects" of that covert war were global: by the late 1980s, Afghan-sourced heroin accounted for a major share of the US street market.

Be as it may, the pattern resurfaced after 2001, when Washington invaded Afghanistan under the banner of liberation. Opium cultivation, which had collapsed during the Taliban's previous ban in 2000, surged once again — tripling by 2004 and eventually reaching 224,000 hectares [in 2020](#). The UNODC estimated the sector's annual value at over \$3 billion, representing half of Afghanistan's GDP.

Image: Karzai in June 2010 (CC BY 2.0)

During those years, the CIA's local allies included notorious figures like **Ahmed Wali Karzai (AWK)**, the half-brother of President Hamid Karzai. A New York Times [story](#) revealed, in 2009, that AWK had been on the CIA payroll for nearly a decade, receiving payments for intelligence and paramilitary operations while allegedly overseeing opium smuggling networks in Kandahar.

The Guardian later [noted](#) that the CIA, both in the 1980s and the post-2001 era, routinely turned a blind eye to the narcotics trade of its local proxies, reasoning that drug lords were “useful” in securing intelligence and maintaining order. No wonder then that eradication campaigns launched by the Pentagon and USAID — costing tens of billions — failed so spectacularly. They often targeted small farmers while sparing high-level traffickers linked to Western-backed militias.

A 2010 GAO [report](#) bluntly stated that pervasive corruption among Afghan officials and contractors facilitated “drug activities” and that officials benefited “from revenue streams produced by the drug trade.”

Private actors, too, play a part. US firms like DynCorp, paid over \$2.5 billion for counternarcotics and police training, became synonymous with [scandal](#) — from corruption to “dancing boys” exploitation rings: prostitution is also profitable enough, as I've [noted](#) before.

[According to](#) Vanda Felbab-Brown (senior fellow in the Strobe Talbott Center for Security, Strategy, and Technology), the [war economy's](#) construction and security sectors thrived on drug money, while eradication failures kept prices high. Thus far, few of these contractors have faced any accountability.

As Afghanistan's poppies disappear today, cultivation is already rising across the border in Pakistan's Balochistan province and parts of Central Asia. The UNODC's own data [show](#) that, despite the 20 percent drop in output, prices have paradoxically fallen — an indicator of stockpiling and substitution. As the Financial Times recently [observed](#), the “geographic relocation” of narcotics processing may be well underway.

In this context, considering that parts of the US intelligence-industrial ecosystem — or its private appendages — have benefited from Afghan narcotics in the past, as seen above, the implications of the Taliban ban are profound. Reduced local supply could mean increased centralization of profits among transnational actors, the same “[deep state](#)” networks that operate with little oversight.

The point is that West's 20-year occupation not only failed to eradicate narcotics; it entrenched them within the very machinery of war and reconstruction. The sudden fall in cultivation, enforced by the Taliban's religious authority rather than foreign aid, exposes that hypocrisy more clearly than any NGO report could.

Simply put, the so-called “War on Drugs” has long been a war with drugs — a shadow economy underpinning black budgets, private contractors, and the geopolitics of endless conflict.

The Taliban's poppy ban deprives local elites and foreign intelligence networks alike of a reliable revenue stream. It may also shift the locus of the trade. Whether this transformation leads to increased instability depends on various factors, including how far those interests will go to preserve their share of the pie.

*

Click the share button below to email/forward this article. Follow us on [Instagram](#) and [X](#) and subscribe to our [Telegram Channel](#). Feel free to repost Global Research articles with proper attribution.

